

ماهنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی^۱
سال سیزدهم - شماره دهم - دی ۱۳۹۹ - شماره پیاپی ۵۶

بررسی سطح فکری مکتوبات عتبه الکتبه
(بررسی موردی موضوع، مخاطب و افراد واسطه در نامه های منتجب جوینی)
(ص ۴۱-۵۵)

دلارام بغدادی^۲، رضا حیدری نوری^۳ (نویسنده مسئول)
تاریخ دریافت مقاله: اردیبهشت ۹۸ تاریخ پذیرش قطعی مقاله: مرداد ۹۸

چکیده

این مقاله تحلیلی است که به بررسی معنایی اجتماعی و ایدئولوژیک نشاندار در متن مراسلات عتبه الکتبه، بخصوص در قالب نامه هایی که نویسنده متناسب با موقعیت اجتماعی و سیاسی خود نوشته، پرداخته است. مبنای نظری این پژوهش بررسی سطح فکری مکتوبات منتجب جوینی در کتاب او است. برای انجام این منظور تمام مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر را که یک دیباچه و یکصد و پنج نامه است را در سه مقوله موضوع، مخاطب و افراد واسطه بررسی و به این پرسشها پاسخ داده ایم:

۱. آیا میتوان از خلال مکتوبات عتبه الکتبه به رابطه قدرت در زمانه منتجب جوینی پی برد؟

۲. مرادوات منتجب جوینی با افراد برجسته زمانه‌اش و نیز مردم عادی چگونه بوده است؟

۳. موضوع عمده مکاتیب و ترسالات جوینی چیست؟

۴. مخاطبان جوینی چه کسانی هستند و روابط جوینی با چه کسانی پررنگتر است؟

۵. روابط قدرت چه تأثیری بر گزینش زبانی خاص جوینی بجا گذاشته است؟

۶. اصلیتین هدف جوینی در نامه‌هایش چیست و برای نیل به اهداف خود چه شگردهایی در پیش گرفته است؟

بیشترین نامه‌ها بترتیب، تقلید و تفویض ولایات مختلف از جمله: گرگان، سرخس، شحنگی مازندران و منشورهای گوناگون است که برای ولایات مختلف نوشته شده‌اند. باید افزود این مقاله بر اساس الگوی تحقیقی آقای دکتر مسعود روحانی و خانم دکتر زهرا تقی زاده تنظیم شده است.

کلمات کلیدی: جوینی، مکتوبات، نامه نگاری، زندگی اجتماعی جوینی.

۱- تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده‌اند.

۲- دانشجوی دکتری. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه، ساوه، ایران (delaram.baghdadi@gmail.com)

۳- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد ساوه- پایه ۲۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه (heidari@iau-saveh.ir)

**Evaluation of the intellectual level of the Ataba ALkataba letters
(Study of three categories of subject, contact and Intermediary
people in letters of Montajaboddin Joveyni)**

Delaram Baghdadi^۱, Reza Heydari Noori^۲ (Corresponding Author)

Abstract

This paper examines the symbolic semantic, social and ideological meaning of the correspondence of the Ataba ALkataba, especially in the form of letters that the author has written in accordance with its social and political status. The theoretical basis of this study was to investigate the intellectual level of Montajaboddin Joveyni in his book.

To do this, all the correspondence of the Divan-e Sultan Saner, which is one Introduction and one hundred and five letters, will be examined in three categories of subject, contact and Intermediary people and will be answered these questions:

- Can we understand the relations of power at the time of Montajaboddin Joveyni by reading the letters?
- How was his relation between subjects and the ordinary people in his time?
- What is the main issue of Joveyni's letters?
- Who are his audiences and which relations are bolder?
- What is the effect of power relations on its specific linguistic selection?
- What is the main goal in his letters and what has been taken to achieve his goals?

Most of letters respectively are Imitation and delegated of different provinces including Gorgan, Sarakhs, Shahangi and Mazandaran and different conventions that are written for different provinces. This article is based on the investigative pattern of Dr. Massoud Rohani and Ms. Zahra Taghi Zadeh

Key words: Joveyni, letters, Correspondence, Joveyni Social life

^۱ - PhD student. Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Islamic Azad University of Saveh, Saveh, Iran.
(delaram.baghdadi@gmail.com)

^۲ - Assistant Professor of Persian Language and Literature, Saveh Azad University, Grade ۲۲. Member of the Faculty of the Islamic Azad University, Saveh Branch (r.heydarinoori@yahoo.com)

مقدمه

رسایل و مکاتیب باقیمانده از ادوار گوناگون تاریخی، از انواع مهم نثر فارسی محسوب میشود و از جهات مختلف حائز اهمیت و در خور مطالعه و تحقیق است. این نامه‌ها که خوشبختانه از طوفان حوادث روزگار در امان مانده، اغلب رشحات خامه نویسندگان و ادیبان نامداری است که در طول تاریخ ادبیات کشورمان از شهرت و آوازه‌ای بلند برخوردار بوده و هستند، برخی از آنان آثار و تألیفات ارزنده‌ای به نظم و نثر از خود به یادگار گذاشته‌اند. "از جمله آنان منتجب جوینی است که دربخش مکاتیب اخوانی عتبه‌الکتبه، شاهد جریانهای سیاسی و اجتماعی و احوال خصوصی مردم بویژه ائمه، قضات، علما، ادبا، شخصیت‌های سیاسی، درباریان و حتی مردم عادی، هستیم که از آنها سخن بمیان آمده است. این مکتوبات اطلاعات زیادی در زمینه مردم‌شناسی و گونه فرهنگی، بافت اجتماعی جوامع گذشته، اعتقادات دینی و وجود نحله‌ها و فرقه‌های مختلف مذهبی در ادوار گوناگون در اختیار خواننده میگذارد" (مجموعه منشآت مویدالدوله، ص ۲۰). برای نمونه، القاب و عناوینی که در خطاب به هر کدام از افراد و طبقات اجتماع در نامه‌های دیوانی و اخوانی بکار میرفت و آداب و شرایطی که در نامه‌نگاری وجود داشت، ما را نسبت به بسیاری مسائل و روابط اجتماعی آگاه مینماید.

نامه‌نگاری درواقع سندی مستقیم از زندگی فردی و اجتماعی و مکنونات فرد نگارنده بدست میدهد. در طول تاریخ، خواندن نامه‌های افراد برجسته، رمزگشای اسرار زندگی و خلق آثار این افراد بوده است. از خلال نامه‌هایی که این افراد به خانواده، دوستان و یا اشخاص برجسته دیگر نوشته‌اند، نه تنها درباره فرد نگارنده، بلکه درباره زمان و مکان زندگی نگارنده و مخاطب، مسائل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دوره ایشان، اطلاعات ارزشمندی بدست می‌آوریم. متأسفانه این دست نامه‌ها بسیار نیستند. مثلاً درباره فردوسی، حافظ، سعدی و بسیاری از بزرگان دیگر که زندگی ایشان امروز برای ما در حاله‌ای از ابهام است، نامه‌ای در دست نیست؛ گو اینکه همواره نامه، وسیله ارتباطی افراد فرهیخته با یکدیگر بوده است و این اسناد متأسفانه در طول زمان از بین رفته‌اند. چرا که این نامه‌ها، "شخصیت نویسنده، مناسبات او با طبقات متعدد، واکنش‌های او در برابر رویدادهایی که با زندگی خصوصی و اجتماعیش پیوند نزدیکی دارند، علاقه‌ها، گرایشها و نفرتها، تلقی او از افراد و حوادث و سرانجام اسرار زندگی او را با صداقت و صفای بیشتری نمودار می‌سازد و حس کنجکاو خواننده را بهتر ارضا میکند" (تذکره الشعراء، ص ۴۰).

یکی از مقوله‌های مهم مورد بررسی در گونه‌شناسی فرهنگی و اجتماعی، بحث ارتباط مؤلف با افراد زمانه خود و نزدیکانش است. از بررسی نامه‌ها، بنوع و کیفیت ارتباط نگارنده با دیگران و جایگاه اجتماعی در زمان سلجوقی پی می‌بریم و به اطلاعات ارزشمندی در زمینه

میرسیم. در این مقاله به بررسی ارتباطات جوینی و جزئیات مربوط بدان، با تکیه بر مکتوبات وی پرداخته‌ایم.

ضرورت تحقیق

یافتن دریچه‌هایی تازه در سبک‌شناسی بزرگان ادب از ضرورت‌های پرداختن به نامه‌های ایشان است که بخش‌های مبهم زندگی آنان را روشن میکند. در این مقاله نیز پرداختن به مراسلات جوینی، در شناخت بیشتر شخصیت، افکار و تحلیل هرچه بهتر دنیای درونی و بیرونی‌اش ما را یاری میدهد. کتاب عتبه‌الکتابه از نظر گونه فرهنگی و اجتماعی ارزش و اهمیت بسزایی دارد، و پرداختن بآن ضروری مینماید. هرچند با مطالعه و بررسی دقیق آن به نکات و دقایق دستوری، لغوی، چگونگی استعمال صنایع ادبی و سایر ویژگی‌های سبک‌شناسی نیز بخوبی میتوان دست یافت و از اسلوب بیان در ترسل و شیوه نگارش مکاتبات رسمی دیوانی که در دربارها رایج بوده، و همچنین از سبک نگارش نامه‌های خصوصی (اخوانیات) میتوان آگاه شد و در بررسی سیر تطور و تحول نثر فارسی طی قرون و اعصار متمادی، میتوان اطلاعات ذی‌قیمتی از این متن را کسب کرد.

فرضیه تحقیق

فرضیه ما در این تحقیق این است که میتوان از خلال مکتوبات جوینی، بمقوله‌های گوناگون گونه فرهنگی و اجتماعی وی پی برد. رابطه جوینی با شخصیت‌های زمان وی اعم از حکما و امرا، ائمه، قضات، علما، ادبا، شخصیت‌های سیاسی، درباریان و حتی مردم عادی، وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم است. بویژه فرضیه ما در بررسی نامه‌های جوینی، قدرت ایدئولوژیک او در جامعه و در ارتباط با نهاد حکومت است؛ جوینی در نامه‌های خود، با اشخاص خاصی مرادوات دارد و موضوع بیشتر نامه‌های وی مسائل اداری و حکومتی است و جوینی در این نامه‌ها از قشر بخصوصی که اغلب روحانیند و جایگاه والای حکومتیند و همچنین از مردم عادی که گاهی رعیت خوانده میشد، حمایت میکند.

پیشینه تحقیق

درباره نامه‌نگاری و ترسل تاکنون مقالات متعددی به نگارش درآمده است:

- اسلوب نوشتار نامه‌های فارسی، توصیف و طبقه‌بندی نامه‌ها، مریم قوام، محمود فتوحی، محمدرضا هاشمی، مجله سبک‌شناسی نظم، ۱۳۹۱: شماره اول، سال پنجم، شماره پیاپی ۱۵، ص ۴۷-۶۶.

این مقاله که بتفصیل درباره ویژگی‌های هویت‌بخش نامه‌ها و تقسیم‌بندی علمی آنها پرداخته شده است، تحقیق مفید و مفصلی در باب نامه‌نگاری در ادبیات فارسی بشمار میرود.

غیر از مقاله بالا، مقالات دیگری درباره ترسل و نامه‌نگاری هستند که قابل توجه است:

- بررسی سبکی نثر ترسل و انشاء در عصر صفوی با تاکید بر نامه نامی، حمید رضایی، بهار ادب، سال ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، شماره پیاپی ۲۰، ص ۲۴۱-۲۲۵.
- بررسی سبک ترسل اسفزاری، محمود مدبری، بهار ادب، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱، شماره پیاپی ۱۶، ص ۴۲۷-۴۴۴.

- اما درباره نامه‌های جوینی، زهرا ریاحی در مقاله ای تحت عنوان: عتبه‌الکتبه و منتجب‌الدین جوینی به بررسی سبکی و ماهیت این کتاب پرداخته است و این کتاب را از دو جهت حائز اهمیت میدانند: یکی از جهت نثر کتاب که نمونه‌ای بسیار ارزشمند از انشای نثر فارسی در دستگاه‌های دولتی سلاجقه در قرن ششم است. و دیگر از جهت اطلاعات مهم تاریخی و فرهنگی و اجتماعی که این کتاب حاوی آنهاست.

روش تحقیق

روش تحقیق و پژوهش ما در این مقاله کتابخانه‌ای و اسنادی است. ما در این مقاله با تحلیل مکاتیب جوینی و طبقه‌بندی آمارهای مربوط با توجه به رده‌بندی نامه‌های فارسی به بررسی مکتوبات جوینی پرداخته‌ایم. الگوی این پژوهش مقاله ای است که در سال ۱۳۹۵ با عنوان مقاله گونه فرهنگی مکتوبات مولانا، توسط مسعود روحانی و زهرا تقیزاده نوشته شده است. (فصلنامه سبک شناسی نظم و نثر، سال دهم، شماره سوم، از ص ۶۷ تا ص ۵۱)

۳- بررسی و تحلیل

بنابراین در این مقاله، نامه‌ها را از سه جنبه زیر بررسی و تحلیل کرده‌ایم؛ ۱. موضوع نامه‌ها ۲. مخاطب نامه‌ها ۳. افرادی که واسطه نامه‌نگاریند و سپس به تحلیل مفهومی این آمارها پرداخته‌ایم.

۳-۱- طبقه بندی موضوعی نامه‌های منتجب جوینی

عتبه‌الکتبه شامل یک دیباچه و یکصد و پنج مکتوب است که از این تعداد، سی و نه مکتوب نخستین آن مناشیر و امثله و سلطانیات است یعنی مکاتیبی که از جانب سلطان سنجر به سلاطین و حکام و ملوک اطراف فرستاده شده است؛ حدود بیست موضوع را در برمیگیرد که بسیاری از آنها در یک دسته جای میگیرند. بقیه یعنی شصت و شش مکتوب بعد، بعنوان اخوانیات جای گرفته است. رسالات اخیر شامل نامه‌های شخص منتجب‌الدین است به افراد مختلف از سلطان، وزیر، مقامات دربار، افاضل، علماء، دانشمندان، زهاد، عباد و افرادی که بنحوی با او در تماس و ارتباط بوده‌اند.

موضوع نامه‌ها بترتیب دفعات تکرار، از قرار زیرند:

۱. امور مالی (در خواست نیازهای مادی، نصب و استخدام، افزایش حقوق و مواجب): دو مرتبه

۲. اخوانیات (پاسخ به نامه کسی، اظهار شادی از انتصاب کسی و نامه‌های دوستانه): پانزده مرتبه
۳. ابلاغ سپاسگزاری: یک مرتبه
۴. درخواست تفویض مسند قضاء/ امامت/ تولیت نیابت وزارت و دیوان/ به کسی: سی و شش مرتبه
۵. پند دادن (خلق نیکو، بزرگداشت مردم و احترام، مراعات حال دیگران را کردن) و تحریض به استماع نصیحت: یک مرتبه
۶. تبریک و تهنیت: دو مرتبه. دو مکتوب در کتاب وجود دارد که به جانشین سنجر، سلطان محمودبن محمدبن ملکشاه سلجوقی نوشته شده است. در این نامه درگذشت سنجر را تسلیت گفته و به سلطنت رسیدن سلطان محمود سلجوقی را تهنیت گفته است.
۷. درخواست عفو و بخشایش: یک مرتبه
۸. تقلید ولایت و عمل شهرهای مختلف به کسی: بیست مرتبه
۹. فتح‌نامه: دو مرتبه
۱۰. شکوه‌نامه (شکایت از اهل زمان و شکایت از اشخاص): پنج مرتبه
۱۱. اشاره به تعزیه: یک مرتبه
۱۲. اعزام کسی برای اخبار: سه مرتبه
۱۳. دعوت کردن برای دیدار/ بیان ارزوی دیدار/ عذرخواهی از عدم توانایی بر دیدار: سه مرتبه
۱۴. اظهار ارادت به کسی و تشویق دیگران به داشتن ارادت به وی: هشت مرتبه
۱۵. تشویق کردن به احسان و احترام به مردمان: دو مرتبه
۱۶. اعتراض به گرفتن مالیاتهای اضافی توسط مامورین دولتی: یک مرتبه
۱۷. تعریف و تمجید از حاکم منطقه یا شاعران: سه مرتبه

۲-۲- مخاطب نامه‌ها

مخاطبان منتجب‌الدین جوینی برای محوّل کردن تقاضای مراجعان، بیشتر امیران و ارکان دولت سلاجقه در اوایل و اواسط قرن ششم (عهد سنجر) است و دولتمردانی هستند که بگفته جوینی، دیانت و نیکو سیرتی آنان بر همگان مشخص است و آنان از طبقات کفاه ممالک هستند (عته‌الکتابه: ص ۶۲). منتجب‌الدین در نامه‌های خود، خطاب به این امیران، محتشمان و معتبران با بهره از صنایع لفظی و معنوی زیبا، سعی نموده تا کلمات و عبارات خود را در نهایت سلاست و در عین حال جزالت بیان کند. هرچند سادگی در کلام او

حکمفرماست (تذکره الشعراء، ص ۲۲). مخاطب نامه‌های جوینی بترتیب دریافت بیشترین تعداد نامه به قرار زیرند:

- سی و نه نامه به سلطان سنجر، که تقلید نواحی گوناگون اعم از: جرجان، دیه‌های طوس، نواحی بلخ، مرو، گرگان و ولایات سرخس را به بزرگانی که همگی از مشاهیر عصرند و بر طبق جوینی مردانی کار دیده هستند واگذار کرده است.

- سیزده نامه به وزیر یعنی ابوالفتح ناصرالدین طاهر، که جمع و ترتیب ابتدایی مجموعه مکاتیب جوینی در عهد این وزیر انجام شد.

- سه نامه به ابوبکر علاءالدین، در این نامه‌ها خبر رسیدن قاضی معین‌الدین ابوالعلاء محمدبن محمود که از جانب علاءالدین بنزد سنجر اعزام شده بود، اعلام گردیده است.

- چهار نامه به اینابکلایغ جانداریک برای تفویض شحنگی ترکمانان.

- دو نامه به رکن‌الدین محمودخان بن محمدخان، خواهرزاده سلطان سنجر است که بعد از وفات سلطان هرج و مرج عام و فتنه غز چندسالی پایه‌های سلطنتی را متزلزل نمود.

- هفت نامه به تاج‌الدین ابوالمکارم احمدبن العباس برای ریاست مازندران.

- هفت نامه خطاب به نصیرالدین (محمدبن ابونصر محمد مستوفی) است که بنا بگفته ابن‌اثیر در سال ۵۶۰ هـ. ق و پس از عزل ضیالملك به وزارت موید انتخاب شده است (بررسی و معرفی عتبه‌الکتبه، ص ۲).

- دو نامه به معین‌الدین، یکی برای استمالت و دیگری منشور تقلید عمل به مرو به نیابت دیوان، بر طبق این نامه فردی از دیوان سنجر بنام معین‌الدین بخدمت سلطان رفته و از وی تقاضا مینماید تا اجازه دهد فرزندش که در حضور سلطان بوده بنزد او برود. سنجر نیز طی این نامه موافقت خود را اعلام نموده و فرزند او را بهمراه هدایایی اعزام میدارد.

- یک نامه به خواجه محیی‌الدین محمدبن یحیی برای تقلید مدرسه نظام نیشابور. او از فقهای برجسته نیشابور بود که بهنگام فتنه غز، فتوایی برای جنگ با آنها داد. برای همین وقتی غزان نیشابور را گرفتند او را کشتند. خاقانی مرثیه‌ای برای او سروده که مشهور است. شعر دیگری هم علی‌بن ابراهیم کاتب پس از مرگ وی سروده که در تاریخ ابن‌اثیر آمده است (همان).

- چهار نامه به عمادالدین محمدبن احمدبن صاعد که از خاندان صاعدیان است و جوینی وی را در فضایل و مفاخر مشهور میخواند. تعداد دیگری از افراد این خاندان نیز شغل قضاوت را در مناطق مختلف خراسان در دست داشته‌اند.

- یک نامه به ناصح‌الدین برای تفویض عمل.

- پنج نامه به مجدالدین برای قضاء حکم و لشکر حضرت.

- یک نامه به جمال‌الدین ابوالحسن علوی، برای منشور نقابت سادات گرگان.

- یک نامه به جلال‌الدین برای قضاء طوس.
- ده نامه به منتجب‌الدین علی بن احمد کاتب، سنجر بر اساس این منشور منتجب‌الدین را برای سر و سامان دادن به اوضاع دیوانی ایالت گرگان به این منطقه اعزام میکند.
- یک نامه به اینانچ قتلغ بکلا، برای ایالت ری بر سبیل نیابت حضرت. این منشور زمانی نوشته شده است که سنجر از خوارزم به خراسان مراجعت نموده است.
- یک نامه به نجم‌الدین، برای تفویض ریاست سرخس.
- سه نامه به ابوالفتح یوسف بن خوارزمشاه، برای نیابت ایالت شهر ری.
- ۳-۳- افرادی که نامه بخاطر آنها نگارش یافته است.**
- بترتیب بیشترین اولویت در علت نگارش نامه‌ها:
 - سی و نه نامه درباره سلطان سنجر
 - شانزده نامه درباره منتجب‌الدین احمد بن کاتب جوینی
 - سه نامه درباره رشید وطواط
 - یک نامه درباره جمال‌الدین
 - سه نامه درباره اوحدالدین
 - پنج نامه درباره چند مدرسه در بلخ
 - دو نامه درباره سیف‌الدین یرنقش
 - یک نامه درباره جلال‌الدین
 - دو نامه درباره معین‌الدین
 - یک نامه درباره جمال‌الدین ابوالحسن علوی
 - چهار نامه درباره امام برهان‌الدین
 - سه نامه درباره امام ضیالدین که متولی اوقاف گرگان بوده است.
 - چهار نامه به زین‌الدین ابوالعلاء صاعد بن حسین مستوفی
 - پنج نامه به قاضی امام مجدالدین محمد
 - دو نامه به عزیزالدین اثیرالاسلام
 - یک نامه به عضدالدین عمادالاسلام
 - سه نامه تاج‌الدین ابوالمکارم احمد بن العباس
 - چهار نامه عمده‌الدین ابو سعید محمد بن اسماعیل
 - سه نامه درباره ظهیرالدین
 - یک نامه خواجه محیی‌الدین محمد بن یحیی
- علت و واسطه نگارش بیشترین نامه‌ها بترتیب؛ سی و نه نامه درباره سلطان سنجر، نوزده نامه درباره منتجب‌الدین جوینی، پنج نامه درباره چند مدرسه در بلخ، چهار نامه درباره امام

برهان‌الدین و عمده‌الدین ابو سعید محمدبن اسماعیل، چهارنامه به احمدبن صاعد، سه نامه به یوسف بن خوارزمشاه و برای باقی افراد بترتیب دو و یک نامه نوشته شده است. همچنین نام فردی که سبب نگارش نامه بوده است، در تعداد کمی از نامه‌ها مشخص نیست و با لفظ فلان یا فلانی خطاب شده است.

۳-۴- تحلیل

مکتوبات منتجب‌الدین جوینی نشان می‌دهد که وی واسطه مردم با اصل حکومت و قدرت بوده است. این نامه‌ها تأکید دارد که حکومت علاوه بر عمل مستقیم، بر رفتار افراد بصورت مستقیم نیز تأثیر می‌گذارد. "انضباط نه تنها هدفش تحدید کسانی است که بر آنها اعمال انضباط میشود بلکه تقویت و استفاده از تواناییهای آنها نیز هست" (گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، ص ۱۳۰). جوینی در عین حال که تفویض ریاست و نیابت خطه‌های مختلف را به افراد صاحب منصب می‌سپارد؛ توانایی آنها را می‌ستاید و از مردم نیز میخواهد تا همگی از هیچ چیز کوتاهی نکنند و تمام همت خود را برای بهتر شدن شرایط بکار گیرند. و اگر کسی در این میان خطا کند مجازات‌هایی برای اوست که هم در دولت و هم در پیشگاه خداوند باید پاسخگو باشد. بنابراین هر فرد باید دغدغه نظارت درونی بر خود را داشته باشد تا امورات را بگونه‌ای شایسته پیش برد.

جوینی در تمام نامه‌ها خود را "من بنده و من خادم" مینامد و مخاطبان خود را گاهی "فلان و فرزند" میخواند: "فصلی که بر قلم خداوندی رفتست در معنی اهمال من خادم رسوم خدمتکاری را فرموده نیارم" (مکتوب آخر، ص ۱۵۹)، "زندگانی فلان دراز باد" (رساله آخری، ص ۹۸). او بیش از همه از "سلطان سنجر" در خواست کمک کرده است. زیرا سنجر قدرتمندترین فرد دستگاه حکومت بوده و ارادت جوینی به او بسیار است.

در این بخش به تحلیل امارهای مربوط به نامه‌ها در سه مقوله یاد شده می‌پردازیم:

الف. قدرت ایدئولوژیک جوینی

این نامه‌ها نشان می‌دهد، جوینی در جایی می‌زیسته که در آن رجوع به فردی که واقف بر مصالح دینی و مهمات شرعی باشد و حلال مشکلات مردم نیز باشد، رواج داشته است. کلام جوینی در تصمیم حکومت تأثیر داشته است زیرا او ندیم و کاتب دیوان سلطان سنجر بوده و افراد زیادی تحت کنف حمایت جوینی قرار گرفتند، در واقع خود را بیمه می‌کردند. بنابراین شخصیت جوینی یک شخصیت برجسته و طراز اول اجتماعی است نه صرفاً یک کاتب و نویسنده رسایل حکومتی. در تمام نامه‌ها جوینی، فردی است "با حکومت" که به نفع دوستان، دوستداران و مردمانی که به او پناه می‌برند از روابط خود با دستگاه بهره می‌برد. این بدان معنا نیست که جوینی بهیچ وجه منتقد حاکمیت نیست. معمولاً دعای جوینی در پایان نامه در حق مخاطب چنین است: "ان شاء الله تعالی". این نشانگر شخصیت معنوی اوست و

برای ترتیب امور از خداوند استعانت میجوید. البته او سلطه بر دستگاه قدرت دارد. وی در آن دسته نامه‌ها که خطاب به حاکمان و صاحبان قدرت است و بخش اعظمی از نامه‌ها را دربرمیگیرد، عرضه میدارد که خلق و مردم، از شریف و وضع، سپاهی و رعیت گرامیند و جناح عدل و انصاف بر همه آنها باید رعایت شود.

یکی دیگر از نمودهای قدرت در نامه‌های جوینی کاربرد مداوم شعرهای عربی و فارسی است:

اذا سألونی من کاتب
حمید الخصال کریم سدید
اجبت و کررت صدق الجواب
حمید، حمید، حمید، حمید
حکایت گویم از حسنت شکایت گویم از
چو بینم رایت اعلیٰ به فیروزی و بهروزی
ظلمت

(مکتوب آخر، ص ۱۶۳)، جوینی خود بر جایگاه خود در جامعه، چه نزد مردم عادی و چه سران حکومتی واقف است: اگر آن پدر برفت ما را بجای پدر داند و صدق شفقت ما، احوال خویش را شامل و حاجتی و التماسی که باشد اعلام دهد تا به اجابت و اشاعت مقرون و موصول گردانیده آید (مکتوب آخر، ص ۱۶۸).

در جایی دیگر جوینی از قدرت و جایگاه خود بهره میگیرد و از صاحبان قدرت طلب عفو بخشش میکند و میگوید و حتی حمایت آنها را میخواهد: "من بنده در خویشتن مینگرم و میدانم که از حد عبودیت در میگذرم و به قلم دردرس مینمایم و خود را در معرض دشنام صرف مینهم اما از کرم خداوندی عجب نباشد اگر معذور فرماید و برملا آنچه مستوجبم نگوید".

جوینی در یکی از نامه‌ها با لحن تهدید بمخاطب خود که از دستگاه قدرت است، میگوید: "مبادا که از کرم مأمول و طبع بر عاطفه مجبول در استبقاء این اندک زمائی که هست تأخیر جایز دارد که طاقت بیشتر نمدارم و خویشتن را نیز در معرض اقتضاح نمیتوانم نهاد به تحریر بیش ازین وسواسو هذیانات، معولست بر آن کرم اخلاق که دامن عفو برین خطیات و زلات پوشاند چون حال میداند" (مکتوب آخر، ص ۱۱۴).

همچنین در نامه دیگری نیز از حاسدان و دشمنانش شکایت میکند: "درین نوبت به اضطرار، طریق اختصار میباید سپرد تا ملامت نکند و بر طریقی و نوعی دیگر نشاید بود ننهند" (مکتوب آخر، ص ۱۵۷). این عبارات نشان میدهد در دوره جوینی، اشخاصی بودند که مخالف جوینی بودند و میان آنها اختلاف و حتی رقابت بوده است و احتمالاً آنها به توجه ارکان دولت به جوینی با توجه به جایگاه او، حسادت میورزیده‌اند و جوینی با خرج اعتبار خود و انتقاد و دادخواهی از آنان، در واقع میخواهد تا حکومت، آنها را گوشمالی دهد یا این که

به سخن آن‌ها توجهی نکند تا دیگر کاری به کار ایشان نداشته باشند. این درواقع نمودی دیگر از قدرت و احاطه معنوی جویینی است.

ب. اصلیتین هدف جویینی در نامه‌ها یعنی خواهشهای مادی و شگردهای نیل به هدف:

در تمام نامه‌هایی که برای درخواستهای مادی نگارش یافته‌اند، جویینی بزرگان و متمکنان را به داد و دهش و بذل مال و توجه به حقوق طبقه رعیت و محرومین فرا میخواند. او میکوشد در اکثر نامه‌ها توجه دستگاه قدرت را بطبقه فقرا و مردم عادی معطوف کند و مرتب ایشان را به انحاء مختلف به بذل و بخشش و همچنین رعایت حقوق فقرا میخواند: "باید که در تقویت کارهای دینی و تمشیت قضایا و احکام شرعی عین فرض داند تا اموال مسلمانان و حقوق ارامل و ایتم ضایع و مستهلک نگردد و اغنیا بر فقرا و از متجنده (گروه ستمکاران) بر رعایا حیف نرود و مورد دهش و عنایت قرار گیرند" (نیابت ایالت شهرری، ص ۴۴).

یکی دیگر از شگردهای جویینی برای ترغیب مخاطبانش به بخشش، عدل، احسان و نیکی کاربرد آیه‌های قرآن است:

"ان الله یأمر بالعدل و الاحسان و ایتاء ذی القربی" (تقلید عمل جرجان و نواحی آن، ص ۲۰).

"کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت" (تقلید ریاست مازندران، ص ۲۳۹).

"ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً انما یأکلون فی بطونهم ناراً" (مثال هم در معنی ریاست مازندران، ص ۲۹).

"و اذا حکمتم بین الناس ان تحکموا بالعدل" (تقلید ایالت ولایت، ص ۳۹).

"ان الله یأمرکم ان تودّوا الامانات الی اهلها" (تقلید قضاء طوس، ص ۶۴).

"دوام دولت و نظام مملکت از ثمرات و نتایج رعایت رعایا است که ودایع ایزد تبارک و تعالی‌اند و ما به احسان به ایشان مأموریم حیث یقول الله عزوجل: احسن کما احسن الله الیک" (منشور تقلید عمل مرو و به نیابت دیوان، ص ۶۶).

در جای دیگر هم جویینی از سلطان و صاحب منصبان، خواهشهای مادی و شخصی خود را این گونه بیان میکند:

"اعتضادی که به کرم فیاض خداوندی هست این جسارت درین سیاق عبارت عرض حاجت نموده شد و امید اجابت ملتمس و اصدار مثال به انجام مقصود حاصلست" (مکتوب آخر، ص ۱۰۶).

"امیدست که از نفحات عواطف رأی عالی، نسیمی که نصیب روح گردد یافته می‌آید تا در وظایف دعا افزوده شود" (مکتوب آخر، ص ۱۲۷).

"امید است که از تشریفات اوامر و نواهی که مادّت من بنده است بی‌بهره نمانم تا در وظایف دعا افزایش آن شاءالله" (مکتوب آخر، ص ۱۲۹).

این موارد در نامه‌های مختلف تکرار شده و بصورت موتیف (مایه اصلی و موضوع) در آمده‌اند. جوینی از عبارت امیدست، انتظارست، واجب دانند استفاده میکند. یکی دیگر از این عبارات موتیف‌وار که در بسیاری از نامه‌ها تکرار میشود، آنجاکه سفارش کسی را میکند، برای ترغیب حمایت و توجه مخاطب خود، این عبارت است:

"...تا بر اقران و اخوان خود مفاخرت و مباحث نماید" (منشور ریاست اصحاب امام شافعی، ص ۸۶).

در راستای نیل به این هدف، جوینی از مدح سران نیز ابایی ندارد؛ مثلاً در نامه سیزده که برای والی خراسان که مجدالملک است نوشته، سراسر نامه مشحون از مدح و ستایش و دعا و مقدمه چینی است و سرانجام در چند سطر به لبّ کلام می‌پردازد:

"درین یک چند که خراسان مظلله مطرح شعاع دولت و معدلت خداوند جهان اعزّ الله انصاره گشتست و نسیم آن رأفت و عاطفت بواسطه رأی روشن خداوندی مجدالملکی و توقیعات قلم مبارک او به دل و جان شکسته پژمرده مظلومان رسیده گویی خراسان، اشراق عهد متقدم بازیافت و این مستضعفان را از درجات جحیم با جنات نعیم انتقال افتاد و الدوله اتفاقات حسنه لاجرم مظلومان که تا این غایت در ظلمات بادیه ظلم گرفتار بوده‌اند چون از دور تجلی نور عدل آن پادشاه که ممدّ انوار آن بعدالله تعالی رأی نورانی خداوندست که ينظر بنورالله میبینند روی بدان حضرت جلال و قبله دولت اقبال می‌آرند و اومید اسفار صبح نجاح آمال میدارند و آن خداوند را که مکارم و معالی به همت و سیرت او زنده است زندگانی دراز باد در کامرانی و شادمانی" (مکتوب آخر، ص ۱۱۱).

این نامه‌ها صورت و ساختار منشیانه و درباری دارند و در مکتوبات جوینی بخوبی بارز و نمایان است. در واقع قالب نامه‌های او چنین است، با طول و تفضیل کمتر یا بیشتر. اغلب هم در نامه‌های سطرهایی را با مدح آغاز میکند که حتی مخاطبانشان معلوم نیست (مکتوب آخر، ص ۱۱۴). در آغاز نامه‌های جوینی، وضعیت مقدمه نامه‌ها بگونه‌ای است که با توصیف و تفسیر شروع میشود و تعامل نویسنده با نهادهای قدرت و ایدئولوژی پنهان در متن مورد توجه قرار می‌گیرد. ممکن است شخصیت جوینی در اغلب نامه‌ها، شخصیتی صرفاً وابسته به قدرت حاکم و متملق و چرب زبان تلقی شود در حالیکه در کنار اینها ویژگی بارز جوینی اندیشه‌های انسان دوستانه اوست که در آن توجه به توده و آحاد مردم نمایان است. در شناخت متن و اندیشه‌های مطرح در مکاتیب او به توصیفات ازین قبیل میرسیم: در نامه‌ها جوینی از شیوه ترغیبی استفاده میکند و آوردن الفاظ و عناوین متعدد و دعای مخاطب، حاصل تعامل صلح‌باورانه نویسنده با جریان قدرت است. او با جهت‌گیری مثبت و بکارگیری

شیوه‌های ترغیبی، مخاطب را به قرار گرفتن در مسیر جود، احسان و عدل تشویق میکند تا مقاصد نوع دوستانه مطرح در نامه را به انجام رساند (گونه فرهنگی مکتوبات مولانا، ص ۳۷). جوینی نعتی‌هایی برای مخاطبان خود بکار میبرد. نعتی‌هایی چون: "امیر اجل"، "عزیز الملوک و السلاطین"، "خواجه امام"، "اجل امام و اجل کبیر" و ... نشان میدهد جوینی ارادتی میسوط به این بزرگان، سران، امیران و حاکمان وقت داشته است. البته او این نعتها را تقریباً برای همه بکار برده است: "رتبت و منزلت امیر اسفهلار اجل کبیر مقرب جمال الدین در دولت قاهره ثبتها الله سوابق حقوق و مساعی حمید که او را ثابت و موکد است پوشیده نیست" (در معنی شحنگی ترکمانان و اقطاعا دیگر، ص ۸۵).

وی با این عمل، یعنی مدحهای اغراق‌آمیز میکوشد مخاطب را با خود همراه کند تا دلش دهد. با این حال نعتی‌هایی که جوینی بکار میبرد، هم مادی است و هم معنوی: "تاج الاسلام و المسلمین که این نعت را برای قوام الدین بکار میبرد، قاضی القضاة، خواجه امام، سلطان معظم، امام الائمه، قدوه الاسلام و المسلمین، ولی النعم صدر الاسلام و المسلمین ملک الوزراء فی العالمین که این نعت را برای سلطان سنجر بکار برده است،..." و این شیوه و سبک نامه‌نگاری (مدح در مطلع و البته در خلال متن) در واقع بنا بر شکل و فرم نامه‌نگاری است مانند آنچه در قصیده اتفاق می‌افتد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، نامه‌های مولانا را در سه مقوله "موضوع، مخاطب و افراد واسطه" مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم و از آن به دریافتهای زیر رسیدیم:

الف. قدرت ایدئولوژیک منتجب جوینی:

روابط جوینی با دستگاه حاکم بسیار حسنه است و نزد سلطان سنجر سلجوقی از مقبولیت خاصی برخوردار است. او از مدح صاحبان قدرت و دولتمردان؛ سادات و نقبا و روحانیان ابایی ندارد و به راحتی از آنها درخواست و مطالبه نیز میکند و دستگاه نیز پاسخ مثبت میدهد.

جوینی قبول خاص و عام دارد، نه تنها توجه‌اش به حاکمان و صاحب منصبان است بلکه بمردم عادی هم توجه بسیاری دارد و آنها که به جوینی پناه می‌آورند، در سایه حمایتی او قرار میگیرند. در واقع سیطره معنوی و تسلط جوینی بر قدرتمندان نیز آشکار است. بدلیل همین حمایتها و قدرت معنوی، اجتماعی و البته ایدئولوژیک جوینی، حاسدان زمانه جوینی، بر قدرت وی حسادت میورزیدند و با وی دشمنی مینمودند و در نامه‌ها اشاره جوینی و شکایت او از ایشان به دستگاه حاکم بخوبی نمایان است.

ب. اصلیت‌ترین هدف جوینی در نامه‌ها یعنی خواهش‌های مادی و شگردهای نیل به هدف:

جوینی بزرگان، صاحب منصبان و حاکمان و امیران را به داد و دهش، عدل و نیکی بر مردم عادی و رعیت فرا میخواند. او میکوشد در اکثر نامه‌ها توجه دستگاه قدرت را به طبقه نیازمندان، محرومان و دوستان خود معطوف کند؛ یکی از مهمترین شگردهای جوینی برای ترغیب مخاطبان‌ش به بخشش، نیکی و عدل، کاربردهای آیه‌های قرآن و اشعار عربی و فارسی است.

در راستای نیل به این هدف، جوینی از مدح سران نیز ابایی ندارد مخصوصاً نعت و تمجید از علمای دین و صاحب منصبان. مخصوصاً در نامه شحنگی ترکمانان و اقطاع‌ها دیگر، به راحتی به مدح، ستایش، دعا و مقدمه چینی و سرانجام به لب‌کلام میپردازد. از خلال نعت‌هایی که جوینی برای مخاطبان خود بکار میبرد، نشان میدهد او ازین نعت‌ها بسیار استفاده کرده و تقریباً برای همه بکار برده است مانند: "امیر اجل"، "عزیز الملوک و السلاطین"، "خواجه امام"، "اجل امام و اجل کبیر".

ج. روابط جوینی با نزدیکترین کسانش چگونه است:

جوینی یک نویسنده مکتوبات و رسایل و یک منشی درباری بی توجه به اطرافیان و اوضاع سیاسی و اجتماعی نیست. او یک انسان اجتماعی است که با مردم در ارتباط است و حتی روابط مستحکمی با دوستان دارد و کاملاً حواسش حتی به مردم عادی نیز است مخصوصاً طبقه رعیت و مردم محروم و ضعیف، سالکان، سادات و در کل، اوضاع اجتماعی-سیاسی زمانه‌اش است.

منابع

- عتبه‌الکتابه مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر، تصحیح علامه محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، جوینی، علی بن احمد منتجب‌الدین، (۱۳۸۴)، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- تذکره الشعراء، به همت محمد رضانی، سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله، (۱۳۸۸)، تهران: انتشارات خاور.
- مقاله مکتوبات مولانا، سمیعی گیلانی، احمد، (۱۳۷۱)، تهران: نشر دانش، شماره ۷۴، بهمن و اسفند، از ص ۲۹ تا ۴۰.
- مقاله گونه فرهنگی مکتوبات مولانا، روحانی، مسعود؛ تقی زاده، زهرا، (۱۳۹۵)، تهران: فصلنامه سبک‌شناسی نظم و نثر، سال دهم، شماره سوم، از ص ۶۷ تا ص ۵۱.

- بررسی و معرفی کتاب عتبه الکتبه، رضاییان، علی، (۱۳۷۹)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال یازدهم، از ص ۵ تا ص ۱۷.
- بررسی سبکی نثر ترسل و انشاء در عصر صفوی با تاکید بر نامه نامی، رضایی، حمید، (۱۳۹۲)، تهران: فصلنامه بهار ادب، سال ششم، شماره دوم، از ص ۲۴۱ تا ص ۲۲۵.
- مقاله اسلوب نوشتار نامه های فارسی، توصیف و طبقه بندی نامه ها، فتوحی محمود؛ هاشمی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، تهران: مجله سبک شناسی نظم و نثر فارسی، شماره اول، سال پنجم، از ص ۶۶ تا ص ۴۷.
- بررسی سبک ترسل اسفزاری مدبری، محمود، (۱۳۹۱)، تهران: فصلنامه بهار ادب، سال پنجم، شماره دوم، ص ۴۲۷-۴۴۴.
- مقاله عتبه الکتبه مجموعه منشآت مویبدالدوله مردانی، فیروز، (۱۳۷۹)، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، دی ماه، ص ۳۴ تا ص ۴۱.
- گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو، ترجمه مصطفی یونسی، هیدنس، باری، (۱۳۹۰)، تهران: شرکت شیرازه کتاب.
- principles of pragmatics, Momin Leech, G.N, London: Longman, ۱۹۸۵, ۱۱